

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

شب زنده دار

ای کشته نگاه تو چون من هزارها
ای صد هزار کشته فدای تو بارها
ای بر سرت قسم که به پیچ و خم زمان
ما را به زلف خم به خم توست کارها
نازک مزاج من به چنین سخت جانیم
تا کی غم فراق کشم با فشارها
هر محنتی که بر سر ما می کنی بکن
نی دست گفت و گوست، نه پای فرارها
در چشم پاکبین من ای کوکب مراد
جای تو تا به عرش بود با وقارها
دیدم به پایداری من کس نمیرسد
صد بار اگر مرا ببری، پای دارها
چون شهسوار حسن به تسخیر دل بتاز
تاراج محنت تو شد این ملک بارها
با تو قمار عشق زدم، پاک باختم
آخر چه کار بود مرا با قمارها
پای امیدواری ما پرز آبله ست
رفتند ازین دیار مگر شهسوارها
دل هم ز عشق بازی من سینه چاک شد
میگفتمش ز عاقبت کار و بارها
نی گریه، نی خموشی من کارگر فتاد
رفت ز دست، مرتبه اعتبارها
شب تا سحر به آتش غم گریه می کنی
ای شمع با تو عشق نموده چه کارها
عشاق را ز بس که بدآموز کرده ای
قانع نمیشوند به بسوس و کنارها

نشگفت اگر شگوفه دل، عمرها گذشت این غنچه غوره ماند به چندین بهارها

درد فراق، خواب ز چشمش ربوده است

باشد « اسیر» در صف شب زنده دارها

(شهر بن - المان - اگست ۱۹۹۹م)